



سوالات درس اول جامعه‌شناسی (۳)

- (۱) - منظور از ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی چیست؟ هرآنچه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی خود، مطالعات مدرسه‌ای، دانشگاهی و... می‌آموزند، ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی آنها را شکل می‌دهد.
- (۲) - منظور از دانش عمومی چیست؟ به مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها که از بدو تولد و با ورود به جهان اجتماعی با دیگرانی که در همان جهان اجتماعی زندگی می‌کنند سهم و شریک می‌شویم «دانش عمومی» می‌نامند.
- (۳) - دانش عمومی چه اهمیتی در زندگی اجتماعی ما دارد؟ اگر این آگاهی‌ها و دانش‌ها نباشند، زندگی اجتماعی ما مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرو می‌پاشد.
- (۴) - نحوه و روش کسب دانش عمومی بیان کنید؟ این دانش را انسان‌ها در طول زندگی خود به دست می‌آورند؛ یعنی این دانش، حاصل از زندگی است. به بیان دیگر این دانش (یا حاصل تجربه خود افراد است یا حاصل تجربه دیگران)
- (۵) - کدام دانش گسترده‌ترین بخش ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد؟ گسترده‌ترین بخش ذخیره دانشی ما، دانش عمومی است
- (۶) - منظور از دانش علمی چیست؟ به آن بخش از ذخیره دانشی که با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به دست می‌آید و نسبت به دانش عمومی عمیق‌تر و دقیق‌تر، است. «دانش علمی» می‌گویند.
- (۷) - با ذکر مثال توضیح دهید دانش علمی چگونه شکل می‌گیرد؟ دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی، شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند؛ یعنی هر وقت در یک جامعه، مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد؛ مثلاً کاهش یا افزایش بی‌رویه جمعیت در یک کشور می‌تواند زمینه فعالیت و رشد علم جمعیت‌شناسی را فراهم کند
- (۸) - چه تفاوتی بین کسانی که دارای شناخت عمومی و شناخت علمی هستند در مواجهه با مسائل و مشکلات جامعه وجود دارد؟ انسان در زندگی اجتماعی با مسائل و مشکلات زیادی مواجه می‌شود؛ همه کسانی که از دانش عمومی برخوردارند، مسائلی مانند اعتیاد، بیکاری، فقر، نابرابری، قانون‌گریزی، بحران اخلاقی، بحران آگاهی و... را می‌شناسند و برای حل برخی از آنها راهکارهایی پیشنهاد می‌دهند. اما افرادی که درباره این مسائل شناخت علمی دارند، از شناختی دقیق برخوردارند و می‌توانند برای آنها راه حل‌های صحیح پیدا کنند
- (۹) - اعضای جامعه برای حل تعارض دانش عمومی و دانش علمی چگونه عمل می‌کنند؟ اعضای جامعه، برای حل این تعارض‌ها، گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاه با طرح ایده‌های جدید انجام می‌شود.
- (۱۰) - با ذکر مثال بیان کنید جهان‌های اجتماعی مختلف بر چه اساسی تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند؟ جهان‌های اجتماعی مختلف براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند؛ مثلاً جهان متجدد، براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌داند و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کند.
- (۱۱) - جای خالی را با عبارت درست کامل کنید. ما درباره کمتر می‌اندیشیم؛ بیشتر از آن استفاده می‌کنیم و در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم. برای زندگی اجتماعی، مانند هوا برای انسان است. (الف) - دانش عمومی (ب) - دانش علمی
- (۱۲) - اگر رویکرد دنیوی جهان متجدد به جوامعی که علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند، سرایت کند چه پیامدی به دنبال دارد؟ اگر چنین رویکردی، به جوامع دیگر که علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند، سرایت کند، در ذخیره دانشی آن جوامع، تعارضاتی پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود، دانش علمی از رشد و رونق لازم باز می‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.

سوالات درس دوم جامعه‌شناسی (۳)

- (۱) - **علوم اجتماعی به چه دانش‌ها و علمی اطلاق می‌شود؟** در واقع علوم اجتماعی به دانش‌هایی گفته می‌شود که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آنها بر کنش‌ها و شیوه‌زندگی‌ها و همچنین اثرپذیری آنها از کنش‌ها و شیوه‌زندگی‌ها را به روش علمی مطالعه می‌کنند.
- (۲) - **مهمترین فواید علوم اجتماعی را بیان کنید؟**
- (۱) - علوم اجتماعی نیز با شناخت پدیده‌های اجتماعی، به انسانها امکان می‌دهند که آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی را پیش‌بینی کنند.
- (۲) - دانشمندان علوم اجتماعی تلاش می‌کنند نظم و قواعد جهان اجتماعی را کشف کنند. آنها با کشف این قواعد می‌توانند تأثیر اجتماعات بر زندگی ما را توضیح دهند.
- (۳) - علوم اجتماعی زمینه فهم متقابل انسانها و جوامع مختلف از یکدیگر را فراهم می‌سازند و به افزایش همدلی و همراهی انسانها کمک می‌کنند.
- (۴) - علوم اجتماعی، ظرفیت داوری درباره ارزشها و هنجارهای اجتماعی و نقد و اصلاح آنها را دارند.
- (۵) - علوم اجتماعی ظرفیت داوری درباره علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن را هم دارند.
- (۳) - **چرا پیش‌بینی در علوم اجتماعی پیچیده‌تر از علوم طبیعی است؟** به سبب آگاهانه و ارادی بودن کنش‌ها و سایر پدیده‌های اجتماعی و تنوع آنها، پیش‌بینی در علوم اجتماعی پیچیده‌تر از علوم طبیعی است.
- (۴) - **چرا علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردار است؟** زیرا علوم اجتماعی ظرفیت داوری درباره علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن را دارند. علوم اجتماعی، درباره فرصتها و محدودیت‌های فناوری به انسانها آگاهی می‌دهند و به آنها کمک می‌کنند، از طبیعت و علوم طبیعی به شیوه صحیح استفاده کنند. از اینرو، علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.
- (۵) - **موضوع مورد مطالعه علوم اجتماعی چیست؟ چند نمونه از شاخه‌های علوم اجتماعی را بیان کنید.** علوم اجتماعی، کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن؛ یعنی پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کنند. کنشهای اجتماعی، ابعاد و انواع مختلفی دارند. برای بررسی و مطالعه این انواع و ابعاد، دانش‌های مختلفی به وجود آمده است. اقتصاد، حقوق، سیاست، تاریخ، باستان‌شناسی، ارتباطات، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت، روانشناسی اجتماعی و جغرافیای انسانی از جمله رشته‌هایی هستند که پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کنند.
- (۶) - **جامعه‌شناسان علم جامعه‌شناسی را چگونه تعریف می‌کنند؟** برخی جامعه‌شناسان، جامعه‌شناسی را علم شناخت کنش اجتماعی و بعضی آن را علم شناخت ساختار اجتماعی دانسته‌اند.
- (۷) - **شاخه‌های مختلف جامعه‌شناسی از نظر سطح مطالعه بیان کرده و تعریف کنید؟** (۱) - جامعه‌شناسی خرد که کنش اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی خرد را بررسی و مطالعه می‌کند؛ (۲) - جامعه‌شناسی کلان که ساختار اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی کلان را بررسی و مطالعه می‌کند. ((جامعه‌شناسی خرد و کلان نیازمند به هم و مکمل یکدیگرند))
- (۸) - **رویکردهای مختلف در جامعه‌شناسی بر چه اساسی شکل گرفته‌اند؟ رویکردهای اصلی در جامعه‌شناسی را بیان کنید.**
- در جامعه‌شناسی بر اساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، رویکردهای مختلفی شکل گرفته است. جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، جامعه‌شناسی تفهیمی - تفسیری و جامعه‌شناسی انتقادی سه رویکرد اصلی جامعه‌شناسی‌اند.
- (۹) - **چه کسی به عنوان بنیان‌گذار علم جامعه‌شناسی شناخته می‌شود؟ وی ابتدا چه نامی برای این رشته انتخاب کرد؟**
- اگوست کنت، به عنوان بنیانگذار جامعه‌شناسی شناخته می‌شود وی ابتدا نام فیزیک اجتماعی را برای این رشته برگزید.

(۱۰) - چرا اگوست کنت ابتدا نام فیزیک اجتماعی را برای جامعه شناسی انتخاب کرد؟ جامعه شناسی در آغاز شکل گیری خود در قرن نوزدهم میلادی سعی کرد به علوم طبیعی به ویژه علم فیزیک نزدیک شود. به همین دلیل اگوست کنت، بنیانگذار جامعه شناسی، ابتدا نام فیزیک اجتماعی را برای این رشته برگزید.

(۱۱) - جامعه شناسی در آغاز شکل گیری خود در قرن نوزدهم میلادی سعی کرد به چه علمی نزدیک شود؟ چرا؟ جامعه شناسی در آغاز شکل گیری خود در قرن نوزدهم میلادی سعی کرد به علوم طبیعی به ویژه علم فیزیک نزدیک شود. زیرا موفقیت های بی سابقه علوم طبیعی، برخی جامعه شناسان این دوره را علاقه مند کرده بود که جامعه شناسی را هرچه بیشتر به علوم طبیعی نزدیک و شبیه نمایند.

(۱۲) - کدام رویکرد در جامعه شناسی، جامعه شناسی را در زمره دانش های ابزاری می دهد؟ جامعه شناسی پوزیتیویستی

(۱۳) - در جامعه شناسی پوزیتیویستی پدیده های اجتماعی چگونه مورد مطالعه قرار می گیرد؟

(۱) - در جامعه شناسی پوزیتیویستی، پدیده های اجتماعی مانند پدیده های طبیعی دانسته می شوند و جامعه همانند طبیعت در نظر گرفته می شود. بنابراین روش مطالعه آنها نیز یکسان دانسته می شود .

(۲) - در این رویکرد روش مطالعه جامعه همان روشی که در مطالعه طبیعت به کار گرفته می شود، یعنی روش حسی و تجربی است.

(۳) - همانطور که علوم طبیعی با شناخت نظم موجود در طبیعت، امکان پیش بینی، پیشگیری و کنترل طبیعت را برای انسانها فراهم می کند، جامعه شناسی نیز با شناخت نظم اجتماعی، به انسانها قدرت پیش بینی، پیشگیری و کنترل جامعه را می دهد.

(۱۴) - کدام اندیشمندان به عنوان پایه گذاران جامعه شناسی تفهمی شناخته می شوند ؟ ویلهلم دیلتای و ماکس وبر

(۱۵) - دیدگاه برخی متفکران اجتماعی نظیر دیلتای و ماکس وبر در باره همانندی پدیده های اجتماعی و طبیعی بیان کنید. در قرن نوزدهم میلادی برخی متفکران اجتماعی آلمانی از جمله ویلهلم دیلتای و ماکس وبر، مدعی شدند که هر چند جهان اجتماعی همانند جهان طبیعی، نظم و قواعد خاصی دارد اما انسانها مانند موجودات طبیعی نیستند و پدیده های اجتماعی نیز با پدیده های طبیعی تفاوت دارند.

(۱۶) - وبر چه روشی برای فهم پدیده های اجتماعی پیشنهاد کرد؟ روش وی تحت عنوان کدام رویکرد در جامعه شناسی مشهور است؟

وبر معتقد بود کنش اجتماعی معنادار است و پدیده های معنادار را نمی توان همانند پدیده های طبیعی از طریق حواس مطالعه کرد، بلکه باید معنای آنها را فهمید. این رویکرد در جامعه شناسی به «جامعه شناسی تفهمی» مشهور شد.

(۱۷) - از دیدگاه وبر روش معتبر تحلیل پدیده ها اجتماعی نزد جامعه شناسان چیست ؟ با اینکه وبر بر «روش تفهمی» به عنوان روش ویژه علوم اجتماعی تأکید می کرد اما همچنان علم را به علم تجربی محدود می دانست و معتقد بود، آنچه جامعه شناسان می گویند، باید با روش تجربی اثبات شود، وگرنه ارزش علمی ندارد.

(۱۸) - چرا وبر معتقد بود جامعه شناس نمی تواند در باره آرمان ها و ارزش ها داوری کند؟ زیرا علم را به علم تجربی محدود می دانست و معتقد بود، آنچه جامعه شناسان می گویند، باید با روش تجربی اثبات شود، وگرنه ارزش علمی ندارد. از این رو از نظر وبر جامعه شناس فقط می تواند آرمانها و ارزشهای اجتماعی را توصیف کند اما نمی تواند درباره این آرمانها و ارزشها داوری علمی کند، چون روش تجربی توان و ظرفیت داوری علمی ندارد.

(۱۹) - جامعه شناسی انتقادی در چه قرن پدید آمد؟ در قرن بیستم، نوع جدیدی از جامعه شناسی به نام جامعه شناسی انتقادی پدید آمد.

(۲۰) - تفاوت روش تحلیل پدیده ها از دیدگاه جامعه شناسی انتقادی با سایر رویکردها در جامعه شناسی توضیح دهید.

جامعه شناسی انتقادی بیشتر از جامعه شناسی تفهمی از علوم طبیعی فاصله گرفت . جامعه شناسان انتقادی علاوه بر روشهای تجربی و تفهمی، روشهای دیگری را نیز به رسمیت می شناسند. همین روشها به آنها امکان می دهد که درباره ارزشها و هنجارها داوری کنند و برای عبور از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب، راه حل هایی ارائه کند.

(۲۱) - مهم ترین هدف جامعه شناسان انتقادی چیست؟ مهمترین هدف جامعه شناسان انتقادی، نقد وضعیت موجود جامعه برای رسیدن به یک وضعیت مطلوب تر است.

(۲۲) - چرا جامعه شناسی انتقادی، دو رویکرد پوزیتیویستی و تفهیمی را محافظه کار میدانند؟ زیرا آن رویکردها نمی توانند درباره ارزشها و هنجارهای اجتماعی داوری کنند و به شرایط موجود تن می دهند.

مقایسه سه رویکرد جامعه شناسی پوزیتیویستی، تفهیمی-تفسیری و انتقادی			
انتقادی	تفهیمی-تفسیری	پوزیتیویستی	نوع رویکرد معیار
کنش انسانی و نقش اراده در آن	کنش اجتماعی انسان	جامعه و پدیده های اجتماعی	موضوع
حس و تجربه + استدلالهای غیر حسی و غیر تجربی بر اساس فرهنگ و عرف اجتماعی	حس و تجربه با تفهم (نگاه درونی برای دریافت معانی)	روش صرفاً حسی و تجربی	روش
شناخت پدیده ها ، داوری ارزشی و انتقاد از وضع موجود برای رسیدن به وضعیت مطلوب	شناخت پدیده ها ، پیش بینی و کنترل آنها و حفظ وضع موجود	شناخت پدیده ها ، پیش بینی و کنترل آنها و حفظ وضع موجود	هدف

سوالات درس سوم جامعه شناسی (۳)

(۱) - جامعه شناسان برای شناختن نظم اجتماعی از چه روشی استفاده می کنند؟ جامعه شناسان برای شناختن نظم، از امور آشنا و مأنوس «آشنایی زدایی» می کنند؛ یعنی از دید یک فرد غریبه به موضوعات آشنا و روزمره اطراف خود نگاه می کنند و در کنار بی نظمی، نظم را می شناسند.

(۲) - نظم به چه معنا است؟ نظم یعنی قرار گرفتن هر پدیده در جای خود.

(۳) - نظم اجتماعی چگونه برقرار می شود؟ نظم اجتماعی در نتیجه قواعدی برقرار می شود که ما انسانها برای با هم زندگی کردن پذیرفته ایم. جای پدیده ها را همین قواعد تعیین می کنند.

(۴) - نظم اجتماعی (قواعد اجتماعی) چه پیامد و فوایدی به دنبال دارد؟ نظم اجتماعی پیش بینی رفتار دیگران و همکاری با آنها را امکان پذیر می نماید؛ باعث می شود که شما بدانید، می توانید چه توقعات و انتظاراتی از دیگران داشته باشید و اتفاقات غیرمنتظره، شما را از همکاری با دیگران باز ندارند به عبارت دیگر (ارتباط ما با یکدیگر را امکانپذیر می سازند و سامان می دهند، کنشهای ما را برای یکدیگر قابل پیش بینی می کنند و امکان مشارکت ما در زندگی اجتماعی را فراهم می آورند)

(۵) - قواعد اقتصادی - سیاسی - خانوادگی در یک جامعه چگونه با هم مرتبط و هماهنگ هستند؟ جامعه شناسان برای پاسخ به این پرسشها، از «ساختار اجتماعی» سخن می گویند.

(۶) - منظور از ساختار اجتماعی چیست؟ ارتباط میان پدیده های اجتماعی ساختار اجتماعی نامیده می شود. ساختار اجتماعی چگونگی رابطه و پیوند میان پدیده های اجتماعی مختلف است.

(۷) - با ذکر مثال توضیح دهید منظور از پویایی نظام اجتماعی چیست؟ منظور از پویا بودن نظام اجتماعی این است که بخشهای مختلف آن بر یکدیگر اثر می گذارند و از یکدیگر اثر می پذیرند. نظام اجتماعی هم می تواند در خود تغییراتی به وجود آورد، و هم می تواند در محیط خود تغییراتی ایجاد کند. برداشت روزافزون از منابع تجدید نا پذیر، از جمله تغییراتی است که یک نظام اجتماعی در محیط ایجاد می کند. رشد جمعیت نیز از جمله تغییراتی است که یک نظام در خود ایجاد می کند.

(۸) - منظور از هم تغییری پدیده ها چیست؟ گاهی تغییر در یک پدیده اجتماعی با تغییر در پدیده دیگر همراه است. این دو پدیده را «هم تغییر» می گویند.

(۹) - چرا عده ای از جامعه شناسان علاقه مند شدند تا نظم جامعه را همانند نظم میان اعضای بدن یا اجزاء یک ماشین بدانند؟ به سبب موفقیت های دانشمندان علوم طبیعی، در شناخت قواعد حاکم بر بدن، پیشگیری از بیماریها و درمان آنها.

(۱۰) - کدام دسته از جامعه شناسان نظم جامعه را همانند نظم میان اعضای بدن یا اجزای یک ماشین می دانند؟ جامعه شناسان پوزیتیویستی که علوم طبیعی را الگوی خود میدانند و روشهای علوم طبیعی را به کار می گیرند.

(۱۱) - کدام دسته از جامعه شناسان علوم طبیعی را الگوی خود می دانند و روش های علوم طبیعی را در مطالعات خود استفاده می کنند؟ جامعه شناسان پوزیتیویستی

(۱۲) - جامعه شناسان پوزیتیویست برای شناخت و کنترل جامعه و برقراری نظم اجتماعی چه اعتقادی داشتند؟ معتقد بودند، همان طور که فرمولهای فیزیک می توانند نظم میان اجزای یک خودرو را نشان دهند، جامعه شناسی نیز باید بتواند به فرمول هایی برای توضیح نظم اجتماعی دست پیدا کند و همان گونه که علوم طبیعی شناخت و کنترل طبیعت را برای ما ممکن ساخته است، جامعه شناسی نیز باید شناخت و کنترل جامعه و برقراری نظم اجتماعی را ممکن سازد.

(۱۳) - در چه صورتی ما قادر به تغییر بنیادین در جامعه نبوده و فقط به تطبیق و سازگاری با آن اکتفا می کنیم؟ اگر جامعه را هم چون طبیعت تصور کنیم و آن را دستاوردی انسانی ندانیم، یعنی آنرا واقعیتهای بیرونی تصور کنیم که با قوانینی به استحکام قوانین طبیعت اداره می شود، در آنصورت ما فقط می توانیم از دانش های ابزاری خود استفاده کنیم و جامعه و پدیده های اجتماعی را بشناسیم، اما قادر نخواهیم بود، تغییری بنیادین در جامعه به وجود آوریم. نظم اجتماعی بیرون و مستقل از ما خواهد بود و فقط باید خود را با آن تطبیق دهیم و سازگار کنیم.

(۱۴) - در چه صورتی جایگاه انسان به پیچ و مهره های نظم اجتماعی تقلیل می یابد؟ یکسان دانستن طبیعت و جامعه، انسانها را به پیچ و مهره های نظم اجتماعی تقلیل می دهد؛ درحالی که جامعه برخلاف طبیعت، محصول و مخلوق کنش های انسان هاست و بود و نبود آن وابسته به انسان است

(۱۵) - کدام رویکرد در جامعه شناسی به جای اینکه انسان را بر جامعه مسلط کند او را مغلوب جامعه می سازد؟ جامعه شناسان پوزیتیویست

(۱۶) - دیدگاه جامعه شناسان پوزیتیویست در باره انسان و جامعه بیان کنید؟

- در دیدگاه پوزیتیویست ها، انسان صرفاً یک موجود طبیعی پیچیده تر از سایر موجودات طبیعی دانسته می شود. در حالی که انسانها با موجودات طبیعی، تفاوت های بنیادی دارند.

- جامعه شناسان پوزیتیویست، جامعه را نیز صرفاً یک پدیده طبیعی پیچیده می دانستند و تفاوت میان جوامع مختلف را تنها تفاوتی کمی می دیدند. از نظر آنها برخی جوامع از برخی دیگر پیچیده ترند، در رفع نیازهای خود تواناترند و به همین دلیل پیشرفته ترند.

(۱۷) - دیدگاه پوزیتیویست ها در باره مسیر پیشرفت جوامع بیان کنید؟ آنها گمان می کردند که همه جوامع، مسیر یکسانی به سوی پیشرفت طی می کنند و از جوامع ساده به جوامع پیچیده تبدیل می شوند. در حالی که واقعیت این است که انسانها می توانند جوامع و تاریخ های گوناگونی را پدید آورند.

سوالات درس چهارم جامعه‌شناسی (۳)

- (۱) - **خشت بنای جامعه چیست؟** کنش اجتماعی خشت بنای جامعه است.
- (۲) - **کنش‌های اجتماعی در پیدایش و برقراری ساختار اجتماعی چه نقشی دارد؟** تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان با کنش‌های اجتماعی پدید می‌آیند. ساختارهای اجتماعی، هر چقدر هم جاافتاده و با سابقه باشند، با کنش‌های افراد به وجود آمده‌اند و برقرارند.
- (۳) - **ما چگونه می‌توانیم در حفظ وضع موجود یا تغییر آن اثر بگذاریم؟** همه ما از آنجا که عضوی از جامعه هستیم، با کنش‌های اجتماعی خود، در حفظ وضع موجود یا تغییر آن، اثر می‌گذاریم اگر چه میزان تأثیرگذاری همه اعضای جامعه یکسان نیست و صاحبان برخی مشاغل و مسئولیتها، نسبت به سایرین اثرگذاری بیشتری دارند.
- (۴) - **انسانها چگونه قادر به تغییر نظم اجتماعی هستند؟** زندگی اجتماعی انسان و نظم، همزاد یکدیگرند اما انسانها صرفاً مجریان نظم نیستند بلکه قادرند با توجه به آرمانها و ارزشهای خود، نظم اجتماعی را تغییر دهند و از مشکلات احتمالی ساختارهای اجتماعی بکاهند.
- (۵) - **در چه شرایطی انسانها قادر به تغییرات مهم تری در نظم اجتماعی هستند؟** به هر میزان که آرمانها و ارزشها والاتر و انگیزه افراد برای تحقق بخشیدن به آنها قوی تر باشد، تغییر مهم تری ایجاد خواهد شد.
- (۶) - **چه تفاوتی بین عمل انسان و پدیده‌های طبیعی وجود دارد؟** انسانها، برخلاف پدیده‌های طبیعی، آگاهانه عمل می‌کنند و عمل‌شان معنادار است. آنها در شرایط گوناگون، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند.
- (۷) - **چرا کنش انسان را نمی‌توان با روش تجربی تحلیل کرد؟** زیرا اگرچه حس و تجربه از ابزارهای مهم شناخت علمی هستند اما روش تجربی توان فهم معانی کنش انسانها را ندارد.
- (۸) - **تمرکز رویکرد پوزیتیویستی بر چه چیزی است و اغلب چه چیزی را نادیده می‌گیرد؟** رویکرد پوزیتیویستی بر آنچه مشاهده می‌شود تمرکز می‌کند و اغلب معنای کنش و آنچه درون انسان می‌گذرد را نادیده می‌گیرد.
- (۹) - **پیامدهای نادیده گرفتن کنش در زندگی اجتماعی انسان بیان کنید؟** (۱- خلاقیت زدایی (۲- ارزش زدایی (۳- معنازدایی
- (۱۰) - **تأکید افراطی پوزیتیویست‌ها بر نظم اجتماعی چه پیامدی در زندگی افراد دارد؟** تأکید افراطی بر نظم اجتماعی به تدریج سبب می‌شود افراد بدون آنکه بدانند این نظم برای تحقق چه آرمانها و ارزشهایی است، صرفاً آن را رعایت کنند. به علاوه، این تأکید موجب سرکوب روحیه خلاق انسانها در بسیاری عرصه‌ها مانند هنر، ارتباط و اندیشه می‌شود.
- (۱۱) - **ماکس وبر از سلطه افراطی نظم اجتماعی بر زندگی افراد چه تعبیری می‌کند؟** ماکس وبر از آن به قفی آهنین تعبیر می‌کند.
- (۱۲) - **چرا در جامعه‌شناسی پوزیتیویستی ارزش بودن مهربانی و فداکاری و ضد ارزش بودن کینه توزی و خودخواهی قابل فهم نیست؟** زیرا با استفاده از روشهای تجربی نمی‌توان گفت که مهربانی یک فضیلت اخلاقی و کینه توزی یک رذیلت اخلاقی است.
- (۱۳) - **با ذکر نمونه‌ای توضیح دهید رویکرد پوزیتیویستی (کسانی که فقط روش‌های تجربی را معتبر می‌دانند) چگونه به اخلاق گریزی منجر می‌شود؟** به سبب اینکه بسیاری از کنش‌های عاطفی، هنری، اخلاقی و مذهبی با رویکرد پوزیتیویستی قابل توضیح نیستند، کسانی که فقط روشهای

تجربی را معتبر می دانند، با انکار ارزشهای عاطفی، اخلاقی، مذهبی و... دچار اخلاق گریزی می شوند. بزرگترین کشتار جهان در جنگهای جهانی اول و دوم، میان توسعه یافته‌ترین کشورها رخ داد و با فاجعهٔ هیروشیما و ناکازاکی پایان یافت.

(۱۴) - نادیده گرفتن معنای کنش چه تأثیری در مطالعات پوزیتیویستی دارد؟ نادیده گرفتن معنای کنش، سبب شده است که، بیشتر مطالعات پوزیتیویستی به توصیف خصوصیات و رفتارهای قابل مشاهده ما محدود شوند.

(۱۵) - عامل اصلی حضور افراطی جوانان و نوجوانان در فضای مجازی چیست؟ اگر تفسیرهای جوانان و نوجوانان را در نظر بگیریم، متوجه خواهیم شد که عامل اصلی گرایش این کاربران به اینترنت و بازیهای رایانه‌ای، معنای استفاده از این ابزار است. بیشتر جوانان و نوجوانان استفاده هرچه بیشتر از اینها را به روز بودن، سرگرمی، هیجان، آزادی و توانایی معنا می کنند. این قبیل معانی و انگیزه ها، عوامل اصلی حضور افراطی جوانان و نوجوانان در فضاهای مجازی است.

(۱۶) - آیا می توان برای فهم انگیزه جوانان و نوجوانان از حضور افراطی در فضای مجازی از روش های تجربی استفاده کرد؟ خیر، برای فهم انگیزه جوانان و نوجوانان نمی توان از روشهای تجربی استفاده کرد، بلکه باید همدلانه با جوانان همراه شد تا مسائل زندگی و آرزوهای آنها را فهمید و آنان را یاری داد. البته همراهی همدلانه به معنای تأیید کنشگران نیست، بلکه به معنای نگاه کردن به مسائل آنها از منظر خودشان و تلاش برای فهم آنهاست. ما در جهان اجتماعی با افراد آگاه سروکار داریم و لازم است با توجه به تفسیر آنها از خودشان، به فهم همدلانه رفتار آنها دست پیدا کنیم.

(۱۷) - تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی چه پیامدهایی در زندگی اجتماعی انسانها دارد؟ تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی به حذف اراده و خلاقیت، ارزش و اخلاق، آگاهی و معنا از زندگی اجتماعی می انجامد و شور زندگی را از انسانها می گیرد.

(۱۸) - نظریه پردازان کنش اجتماعی چه چیزی را مهمترین ویژگی کنش اجتماعی می دانند؟ نظریه پردازان کنش اجتماعی، آگاهی و معناداری را مهمترین ویژگی کنش اجتماعی می دانند و زندگی اجتماعی انسان را با تأکید بر آگاهی و معنا، مطالعه می کنند.

(۱۹) - برای جلوگیری از بروز پیامدهای ناشی از تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی چه چیزی مورد توجه برخی جامعه شناسان قرار گرفت؟ برای جلوگیری از بروز چنین پیامدهایی، کنش اجتماعی مورد توجه برخی جامعه شناسان قرار گرفت.

(۲۰) - چه چیزی عبور از جامعه شناسی پوزیتیویستی و روی آوردن به جامعه شناسی تفهیمی - تفسیری هموار ساخت؟

نظریه پردازان کنش اجتماعی، آگاهی و معناداری را مهمترین ویژگی کنش اجتماعی می دانند و زندگی اجتماعی انسان را با تأکید بر آگاهی و معنا، مطالعه می کنند. این جامعه شناسان، ویژگی های دیگر کنش، یعنی اراده و ارزش را مهم می دانند ولی آنها را برخاسته از آگاهی و تابع آن می بینند. همین نگاه مسیر را برای عبور از جامعه شناسی پوزیتیویستی و روی آوردن به جامعه شناسی تفهیمی - تفسیری هموار ساخت.

سوالات درس پنجم جامعه شناسی (۳)

(۱) - یکی از پرسش های مهم و کلیدی برای اندیشمندان علوم اجتماعی چه بوده است؟ این پرسش که چگونه می توان معنای زندگی و معنای کنش انسانهای دیگر را فهمید.

(۲) - در چه صورتی بررسی و مطالعه پدیده های انسانی و اجتماعی به نتیجه گیریهای غلط و اشتباه منجر می شود؟

بررسی و مطالعه پدیده های انسانی و اجتماعی، بدون توجه به عمق آنها، به نتیجه گیریهای غلط و اشتباه منجر می شود.

(۳) - شباهت و تفاوت پدیده‌های نظیر «شهادت طلبی»، «فدا کردن جان برای وطن» و «خودکشی»، چیست؟

شباهت «شهادت طلبی»، «فدا کردن جان برای وطن» و «خودکشی»، «دست شستن از جان و زندگی در دنیا و استقبال از مرگ» است.

تفاوت آنها در معنای متفاوت شان است معنای شهادت طلبی: «شوق به حیات جاودانه، عشق به دیدار محبوب، دفاع از دین، مبارزه با ظلم، اقامه حق، مبارزه با باطل و ... است» معنای فداکردن جان برای وطن: «دفاع از غرور ملی، میهن دوستی، غلبه بر دشمن، کشورگشایی، هیجان و... است» معنای خودکشی: «رنج گریزی، احساس پوچی، فشارهای اقتصادی، بحرانهای اجتماعی، بحران معنویت و... است»

(۴) - برخی جامعه‌شناسان در توجیه مسأله خودکشی به چه عواملی اشاره کرده‌اند؟ برخی دیگر از جامعه‌شناسان چه انتقادی بر توجیه

آنها در علل مسأله خودکشی داشته‌اند؟ برخی از جامعه‌شناسان در تحلیل خودکشی به عوامل اقتصادی مانند فقر، کاهش رفاه عمومی و... توجه کرده‌اند، این تحلیل با انتقاد برخی دیگر از جامعه‌شناسان با این استدلال که نرخ خودکشی در بعضی از کشورها با سطح رفاه عمومی بالا، بیشتر از برخی جوامع با سطح رفاه و شرایط اقتصادی پایین‌تر است مواجه شد.

(۵) - وجود نظریات متفاوت، درباره پدیده‌های اجتماعی نشانه چیست؟ وجود نظریات متفاوت، نشانه پیچیدگی و عمق پدیده‌های اجتماعی و البته دشواری فهم آنهاست.

(۶) - برخی رویکردها برای دستیابی به پاسخهای ساده، سراسر و کاملاً قابل پیش‌بینی درباره چرایی وقوع پدیده‌های اجتماعی، چگونه عمل می‌کنند؟ برخی رویکردها برای دستیابی به پاسخ‌های ساده، سراسر و کاملاً قابل پیش‌بینی درباره چرایی وقوع پدیده‌های اجتماعی، پیچیدگی و عمق این پدیده‌ها را نادیده می‌گیرند.

(۷) - باور رویکرد تفهیمی - تفسیری در تقابل با رویکرد پوزیتیویستی، در فهم زندگی اجتماعی بیان کنید. رویکرد تفهیمی - تفسیری در تقابل با رویکرد پوزیتیویستی، بر این باور است که کنشگران بر اساس معنایی که در ذهن دارند، دست به عمل می‌زنند. بنابراین برای فهم زندگی اجتماعی باید از ظاهر پدیده‌های اجتماعی عبور کرد و به معانی نهفته در کنشها راه یافت.

(۸) - برای پی بردن به هدف کنش چگونه باید عمل کنیم؟ (فهم هر کنش مستلزم چیست؟) برای پی بردن به هدف کنش، باید به ذهن کنشگر راه یابیم و برای فهمیدن دلالت‌های کنش، باید به زمینه فرهنگی ای که کنشگر در آن عمل می‌کند، مراجعه کنیم. به عبارت دیگر، فهم هر کنشی مستلزم دسترسی به معنای ذهنی «فردی» و معنای فرهنگی «اجتماعی» نهفته در آن است.

(۹) - خلاق و فعال بودن کنشگران فردی و جمعی در تولید معانی چه پیامدی به دنبال دارد؟

(۱) - موجب پیدایش معانی گوناگون و در نتیجه آن، پدید آمدن خرده فرهنگها و گروههای مختلف، درون هر جهان اجتماعی می‌شود.

(۲) - علاوه بر این خلاق و فعال بودن انسانها در تولید معانی، موجب پیدایش فرهنگها و جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود. جهان‌های اجتماعی مختلف، معانی ذهنی و فرهنگی متفاوتی پدید می‌آورند؛ مثلاً ممکن است لباس و ظاهر زیبا در فرهنگی، بر جایگاه و پایگاه اجتماعی والا دلالت نکند یا در فرهنگ دیگری، علم آموزی بر ارزشمندی علم دلالت نکند بلکه با هدف غلبه بر دیگران یا به دست آوردن شغل پردرآمد، انجام شود.

(۱۰) - چه چیزی موجب پیچیدگی کنش‌های انسانی و دشواری فهمیدن معانی آنها می‌شود؟ تنوع و تکرار معانی

(۱۱) - برای فهم کنش‌ها، باید از چه روشهایی استفاده کرد؟

برای فهم کنش انسانها باید از روشهای کیفی نظیر روش قوم‌نگاری و روش مطالعه موردی استفاده کرد که در مقابل «روشهای کمی» قرار می‌گیرند که در جامعه‌شناسی پوزیتیویستی به کار می‌روند.

(۱۲) – منظور از روش قوم نگاری مورد استفاده پژوهشگران چیست؟ در این روش، پژوهشگر برای مدتی با قومی که قصد تحقیق درباره آنها را دارد، زندگی می کند؛ خود را در شرایط فرهنگی آن قوم قرار می دهد و کنش هایشان را تجربه می کند تا آنها را بهتر بشناسد.

(۱۳) – با ذکر مثال توضیح دهید در چه شرایطی یک محقق از روش مطالعه موردی استفاده می کند؟ اگر محقق بخواهد تمامی ابعاد یک پدیده اجتماعی خاص مثلاً یک فرد، یک نهاد اجتماعی یا یک فرهنگ را مطالعه کند و عمق پنهان و منحصر به فرد بودن آن را نشان دهد، از این روش استفاده می کند. برای مثال یکی از جامعه شناسان برای تحقیق درباره بیمارستان روانی به عنوان یک نهاد اجتماعی و اثر آن بر بیماران، ماه ها به عنوان کارمند در یک بیمارستان روانی مشغول به کار شد و از طریق مشاهده مشارکتی به تحقیق پرداخت.

سوالات درس ششم جامعه شناسی (۳)

(۱) – جایگاه ارزشهای سه گانه قدرت، ثروت و دانش در دستیابی به سعادت و کمال حقیقی بیان کنید؟ انسان همواره سه گانه قدرت، ثروت و دانش را ارزشهای واسطه ای و پیش نیازهای دستیابی به سعادت و کمال حقیقی می دانست، از این رو همه آنها را خوب و خیر می دید.

(۲) – انسان در مقایسه ارزش های سه گانه قدرت، ثروت و دانش در دستیابی به سعادت چگونه ارزیابی می کند؟ معمولاً دانش را کاملاً مثبت (خیر و خوب)، ثروت را خاکستری (نه خوب و نه بد) و قدرت را بیشتر منفی (بد) ارزیابی می کرد.

(۳) – دیدگاه عده ای در دوره ی اخیر در غرب در باره ارزیابی های اخلاقی ارزشهای سه گانه قدرت، ثروت و دانش را بیان کنید؟ در دوره اخیر، در گوشه ای از دنیا، برخی مدعی شدند، ارزیابی های اخلاقی و نگاه وسیله ای به قدرت و ثروت، دست و پا گیر بوده و مانع توسعه آنها شده است. پس از آن، قدرت و ثروت دیگر مورد داوری اخلاقی قرار نگرفتند تا با توسعه و گسترش آنها، زمینه آسایش و آرامش بشر فراهم شود. دانش نیز به علوم تجربی (ابزاری) محدود شد و برای نیل به همان هدف به خدمت گرفته شد.

(۴) – در کنار نتایج خیره کننده توسعه ی ارزشهای سه گانه قدرت، ثروت و دانش چه پیامدهایی ناخوشایندی به دنبال داشته اند؟ در کنار نتایج خیره کننده و شگرف توسعه قدرت و ثروت، پیامدهای دیگری همانند فقر، نابرابری، سرکوب، جنگ و تخریب طبیعت و... نیز ظاهر شدند.

(۵) – پیامدهای ناخوشایند ارزشهای سه گانه قدرت، ثروت و دانش چه واکنش هایی برانگیخت؟

نخستین واکنش به ثروت نشان داده شد. ثروت دیگر نه یک امر خنثی (نه خوب و نه بد) بلکه ریشه بسیاری از ظلمها و شرارتها قلمداد شد و مالکیت، دزدی خوانده شد.

واکنش شدید بعدی به دانش نشان داده شد و خوشبینی به دانش نیز مورد تردید جدی قرار گرفت. تا پیش از این، منازعات بر سر قدرت و ثروت را به قضاوت دانش می سپردند ولی حالا دیگر، خود دانش نیز مورد نزاع و کشمکش بود؛ یعنی دانش دیگر راهنمای ما به سوی سعادت نبود بلکه، به همراه قدرت و ثروت، رو به تاریکی و ظلمت می نهاد.

(۶) – منظور از قدرت چیست؟ موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است.

(۷) – چرا انسان کنشگری قدرتمند است؟ انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می دهد، کنشگری قدرتمند است

(۸) – آیا انسان قادر به تأمین همه ی نیازهای خود است؟ قدرت فردی انسان محدود است. او نمیتواند همه ی نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد.

(۹) – منظور از قدرت اجتماعی چیست؟ چه کسانی از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند؟ قدرت اجتماعی هنگامی پیدا می شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند.

(۱۰) – آیا صرفاً افراد دارای قدرت اجتماعی اند؟ علاوه بر افراد، نهادهای سازمانها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند

(۱۱) – شرط مهم تحقق قدرت اجتماعی چیست؟ پذیرش و توافق دیگران شرط مهم تحقق قدرت اجتماعی است؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می شود، عمل کنند.

(۱۲) – تنها راه تأثیر گذاردن بر اراده ی دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان چیست؟ جلب تبعیت آنهاست.

(۱۳) – جلب تبعیت دیگران به چند صورت ممکن است؟ هر کدام را توضیح دهید؟ جلب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است:

(الف) – تبعیت با کراهت؛ تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد

(ب) – تبعیت با رضایت؛ تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

(۱۴) – در چه صورتی قدرت دارای مقبولیت است؟ قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید، دارای مقبولیت است

(۱۵) – اقتدار چیست؟ قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، «اقتدار» نامیده می شود.

(۱۶) – منظور از مشروعیت قدرت چیست؟ مشروعیت قدرت به این معناست که قدرت مطابق یک نظام عقیدتی و ارزشی اعمال شود.

(۱۷) – چه تفاوتی بین مدار مقبولیت و مدار مشروعیت وجود دارد؟ مدار مقبولیت، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال میشود، اما مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است.

(۱۸) – انواع قدرت مشروع را بیان کرده و توضیح دهید؟

مشروعیت حقیقی: اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد، مشروعیت حقیقی دارد،

مشروعیت دروغین: اما اگر موافق با ایدئولوژیهای ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.

(۱۹) – اشکال مختلف همراهی و عدم همراهی مقبولیت و مشروعیت حقیقی را بیان کنید.

(الف) – اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت اجتماعی.

(ب) – هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن، از روی رضایت باشد، قدرتی مقبول ولی غیر مشروع وجود دارد.

(۲۰) – منظور از قدرت سخت و قدرت نرم چیست؟ قدرت سخت، قدرتی است که از طریق ابزارهای خشن، با زور و به طور آشکار، توسط نهادهای

نظامی اعمال می شود، اما قدرت نرم به شکل پنهان و از طریق نفوذ فرهنگی، با کمک ابزارهایی مانند رسانه ها و نهادهای آموزشی اعمال می شود

(۲۱) – روشها و ابزارهای اعمال قدرت نرم و قدرت سخت مقایسه کنید؟

نوع قدرت	روش	ابزار
سخت	از طریق زور و به طور آشکار	نهادهای نظامی
نرم	از طریق نفوذ فرهنگی شکل پنهان	رسانه ها و نهادهای آموزشی

(۲۲) – پیامد قدرت سخت یک کشور در گذشته و قدرت نرم در عصر حاضر بیان کنید؟ در گذشته قدرت سخت یک کشور موجب سلطه ی سیاسی و اقتصادی بر سایر کشورها می شد، اما امروزه قدرت نرم سبب سلطه ی فرهنگی می شود

(۲۳) – چه تفاوتی بین نبرد دولت ها در گذشته و امروزه وجود دارد؟ در گذشته نبرد بین دولتها در قلمرو سرزمینی و با ابزار نظامی صورت می گرفت و رسانه ها خبر آن را منتشر می کردند، اما امروزه نبرد در حوزه فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می گیرد و درگیری نظامی، اگر اتفاق بیفتد در ادامه ی جنگ فرهنگی رخ می دهد

(۲۴) – عنوان انقلاب های رنگین به چه انقلاب هایی اطلاق می شود؟ انقلابهایی که با استفاده از قدرت نرم رسانه ها درصدد براندازی حکومت های مخالف غرب برآمدند، انقلاب های رنگین نام گرفتند.

(۲۵) – منظور از سیاست چیست؟ هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان یابد، «سیاست» پدید میآید؛ یعنی سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدف است

(۲۶) – منظور از نظام سیاسی چیست؟ مجموعه ی سازوکارهایی که برای اعمال سیاست های جهان اجتماعی وجود دارد، به «نظام سیاسی» شکل می دهد

(۲۷) – با چه ملاکهایی می توان نظام های سیاسی را دسته بندی کرد؟ الف) – براساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم گیرنده براساس روش تصمیم گیری ب) – براساس روش تصمیمگیری

(۲۸) – بر اساس تعداد افراد تأثیر گذار و تصمیم گیرنده نظام های سیاسی به چند دسته تقسیم می شود؟

الف) – نظام هایی که در آن فرد حاکم است و تصمیم می گیرد .

ب) – نظام هایی که در آن اقلیتی تصمیم گیرنده هستند.

پ) – نظام هایی که در آن اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیر گذارند

(۲۹) – بر اساس روش تصمیم گیری نظامهای سیاسی به چند دسته تقسیم می شود؟

الف) – نظامهایی که در آن، حاکم یا حاکمان براساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می دانند.

ب) – نظامهایی که در آن، حاکم یا حاکمان براساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم میگیرند.

(۳۰) – ارسطو بر اساس تعداد افراد و روش تصمیم گیری از چند نوع حکومت نام می برد؟ ارسطو از این دو ملاک برای دسته بندی نظامهای سیاسی

استفاده کرده و از شش نوع حکومت نام برده است. در سه نوع از این نظامهای سیاسی یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر مدار خواسته ها و تمایلات شان بر جامعه

حکومت می کنند و در سه نوع دیگر، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت براساس حقیقت و فضیلت استوار است

دسته بندی نظامهای سیاسی از نظر ارسطو

روش حکومت / تعداد حاکمان	براساس فضیلت	براساس خواست و میل حاکم
فرد	موناشری	استبدادی
اقلیت	آریستوکراسی	الیگارشی
اکثریت	جمهوری	دموکراسی

(۳۱) - فارابی چه نوع ملاکهای برای دسته بندی نظام های سیاسی مطرح می کند؟

(الف) - ملاک دین مداری: نظام سیاسی دینی و دین مدار براساس احکام و قوانین الهی سازمان می یابد.

(ب) - ملاک دنیامداری: نظام سیاسی دنیامدار فقط ارزشها و آرمانهای دنیوی و این جهانی را مورد توجه قرار می دهد

(۳۲) - منظور از واژه لیبرالیسم چیست؟ لیبرالیسم به معنای مباح دانستن همه ی امور برای انسان است

(۳۳) - منظور از واژه دموکراسی چیست؟ و دموکراسی به معنای حاکمیت اکثریت مردم براساس خواست و میل خودشان است.

(۳۴) - لیبرال دموکراسی به چه نوع نظام سیاسی اطلاق می شود؟ لیبرال دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که ادعا می کند با خواست و اراده

اکثریت مردم شکل می گیرد و هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی شناسد، همچنین حکومتی دنیوی و سکولار است.

(۳۵) - نظام لیبرال دموکراسی با چه نوع جامعه ای سازگار است؟ این نظام سیاسی با فرهنگ جهان غرب که رویکردی دنیوی به جهان

هستی دارد، سازگار است

(۳۶) - مهمترین ارزشهای اجتماعی لیبرال دموکراسی را بیان کنید؟ آزادی را مهمترین ارزش اجتماعی می داند. توسعه، ثبات، رفاه،

سلطه بر طبیعت و بر جهان از دیگر ارزشهای مهم در این نظام سیاسی هستند.

(۳۷) - در کدام نوع نظام سیاسی فقط می توان از مقبولیت نظام حرف زد؟ لیبرال دموکراسی

(۳۸) - منظور از عنوان جمهوری و اسلامی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی چیست؟ عنوان جمهوری در این ترکیب به این معناست که مردم

جامعه، خودشان سرنوشت سیاسی خود را تعیین می کنند و کلمه ی اسلامی نشان دهنده این است که فعالیت مردم و نظام سیاسی بر اساس عقاید و ارزشهای اسلامی سازمان پیدا می کند.

(۳۹) - نظام جمهوری اسلامی به چه نوع نظام سیاسی اطلاق می شود؟ در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست مردم و براساس احکام الهی و

اسلامی تعیین می گردند. به علاوه ارزشهای سیاسی و همچنین قوانین و مقررات اجتماعی با عقل و وحی شناخته و معین می شوند، مردم نیز مسئولیت شناخت و اجرای آنها را برعهده دارند

(۴۰) - کنش سیاسی و استفاده از قدرت با چه مقاصدی انجام می شود؟ کنش سیاسی و استفاده از قدرت، یا به قصد تغییر وضع موجود انجام می شود

یا با هدف حفظ آن. اگر تمایل به حفظ وضع موجود باشد، هدف پیشگیری از تغییر است. هرگاه تمایل به تغییر وجود داشته باشد، هدف ایجاد وضعیت بهتر است.

(۴۱) - مهمترین هدف ما در زندگی چیست ؟ مهمترین هدف ما در زندگی دستیابی به فضیلتهای انسانی و سعادت همگان است.

(۴۲) - فعالیتهای سیاسی باید در جهت دسترسی به چه هدفی باشد؟ فعالیتهای سیاسی باید در جهت دسترسی به جامعه خوب برای دستیابی به

فضیلتهای انسانی و سعادت باشند

(۴۳) - چرا ضروری است تا امور سیاسی (نظام های سیاسی) ارزیابی کنیم؟ امور سیاسی، مورد تأیید یا رد، انتخاب یا طرد، ستایش یا نکوهش انسانها قرار میگیرند؛ یعنی امور سیاسی خنثی نیستند. به علاوه این امور از انسانها اطاعت، وفاداری و تصمیم میخواهند بنابراین لازم است که آنها را براساس ملاکهای ارزیابی کنیم

(۴۴) - با ذکر مثال توضیح دهید چه تفاوتی بین نظم حاکم بر طبیعت و نظم اجتماعی (حاکم بر جوامع و فرهنگ ها) وجود دارد؟

طبیعت یک نظم جهانشمول دارد؛ یعنی قوانین طبیعت در همه مکانها و زمانها یکسانند، از اینرو نتایج مطالعه بر روی طبیعت در هر مکان و زمانی میتواند به تمامی مکانها و زمانها تعمیم داده شود .

ولی جوامع و فرهنگها همانند طبیعت نیستند و ما نمیتوانیم نتایجی را که از مطالعه و بررسی یک جامعه بهدست آوردهایم به همه ی جوامع دیگر تعمیم بدهیم مثلاً نمی توانیم نتایجی را که از مطالعه ی جوامع غربی به دست می آوریم به جوامع دیگر که با جهان غرب تفاوت دارند، تعمیم دهیم

(۴۵) - راه حل های پیشگیری مشکل عدم تعمیم نتایج مطالعه جوامع غربی به جوامع غیر غربی چیست ؟ خطا و مشکلات هر کدام را بیان کنید؟ الف -)

باید سایر جوامع و فرهنگها را نیز مطالعه و بررسی کنیم. اما در اینجا هم امکان دارد، مرتکب خطای دیگری شویم و آن اینکه در مطالعه ی سایر جوامع و فرهنگها، به معانی فرهنگی آنها توجه نکنیم و آنها را از منظر غرب مطالعه کنیم و معنای پدیده های اجتماعی در آن فرهنگها را به درستی دریافت نکنیم برای جلوگیری از این خطا باید بکوشیم جوامع و فرهنگهای دیگر را از منظر خودشان مطالعه کنیم؛ یعنی با رویکرد تفهمی - تفسیری به بررسی آنها پردازیم. در این صورت با مشکل دیگری مواجه میشویم؛ تعدد و تنوع فرهنگها و جوامع معاصر و قدیمی، علوم اجتماعی را درگیر مطالعات پایان ناپذیر و تمام نشدنی می سازد. علاوه براین فرهنگهای مختلف معمولاً به مرزهای خودشان محدود نمی مانند و ما را ناگزیر از مقایسه ارزشها برای تشخیص ارزشهای صحیح از ارزشهای غلط میسازند. ولی وقتی علوم اجتماعی برای مطالعه هر فرهنگ مجبور باشد که آن فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته اند، ببیند و بررسی کند، امکان مقایسه و داوری فرهنگها و ارزشها از دست میرود

(۴۶) - چرا جامعه شناسی پوزیتیویستی ارزش های انسانی را قابل مطالعه علمی نمی داند؟ بیان کنید چگونه به مطالعه قدرت می پردازد؟

جامعه شناسی پوزیتیویستی با منحصر کردن علم به علوم تجربی، ارزشهای انسانی را قابل مطالعه ی علمی نم ی داند؛ از اینرو با ارزش زدایی و معنازدایی از قدرت، آن را به عنوان یک پدیده خنثی و فاقد معنا، مطالعه می کند.

(۴۷) - جامعه شناسی تفهمی چگونه به مطالعه امور سیاسی می پردازد؟ جامعه شناسی تفهمی نیز اگرچه امور سیاسی را پدیده هایی معنادار و ارزشی

میداند، اما تا جایی که همانند جامعه شناسی پوزیتیویستی، فقط روش تجربی را علمی و معتبر بشناسد، جامعه شناس را قادر به داوری درباره ارزشها نمی داند . جامعه شناسان تفهمی - تفسیری هم صرفاً به توصیف ارزشها و نظامهای سیاسی بسنده می کنند و ملاک و معیاری برای ارزیابی علمی آنها ارائه نمی دهند؛

(۴۸) - ماکس وبر در مطالعه جوامع غربی این جوامع را دچار چه نوع بحرانی می داند؟ آیا ایشان راه حلی برای این بحران ارائه می دهد؟

ماکس وبر در مطالعه جوامع غربی، این جوامع را دچار «بحران اراده» و «بحران معنا» می بیند ولی معتقد است هیچ راه حل علمی برای این مشکلات و برون رفت از آنها وجود ندارد